

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۶۹۳

جمعه ۱۰ دی ۱۳۹۵، ۳۰ دسامبر ۲۰۱۶

یادداشت‌های هفته

عمید تقوایی

شگفتی ۲۰۱۶ و شگفتی که در راه است

بیعدالتی در ذات جمهوری اسلامی است

"حماسه" ۹ دی و "قیام ملی" ۲۸ مرداد

صفحه ۵

کارگران پلی اکریل اصفهان پس از چندین بار تجمع، در خیابان های اصفهان راهپیمایی کردند

کارگران قند یاسوج هشت روز است در اعتصاب به سر میبرند

کارگران آلومینیوم المهدی هرمزگان دست به تجمع زدند

کارگران بازنشسته نیشکر هفته دومین تجمع خود را برگزار کردند

کارکنان شرکت گروه ملی فولاد تجمع کردند

صفحه ۸



بازنشستگان فولاد در مقابل مجلس اسلامی تجمع کردند

صفحه ۷

"حقوق شهروندی" روحانی،

بیانیه "حقوق بشر": نقد ما! (۱)

گفتگو با علی جوادی

بر مبنای برنامه تلویزیونی برای یک دنیای بهتر

از صفحه ۳

اقدامی نابجا

در مورد نامه سی نفر از فعالین سیاسی به ترامپ

اصغر کریمی

از صفحه ۲

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

بازنشستگان، پرداخت به موقع حقوق و هزینه‌های درمانی بازنشسته فولاد شوند. اما اعتراض آنها بطور واقعی به حقوقهای زیر خط فقر است و اعتراض خود را به سطح نازل حقوقها در تجمعات قبلی خود با شعار خط فقر سه میلیون، حقوق ما یک میلیون، درمان رایگان برای بازنشستگان اعلام داشتند. و اینها خواسته دهها هزار بازنشسته صنعت فولاد است که در این روز در مقابل مجلس فریاد زده شد. نقطه قابل توجه در حرکت اعتراضی کارگران صنایع فولاد سراسری بودن این حرکت اعتراضی است. این کارگران از شهرهای مختلف از جمله از

و کارزار علیه لایحه ضدکارگری اصلاح قانون کار" دو عرصه مهم از اعتراضات کارگری که ابعاد اجتماعی و سراسری دارد، همچنان در جریان است.

مجلس اسلامی محلی برای تجمعات سراسری کارگری

روز ۷ دی بیش از ۸۰۰ نفر از بازنشستگان صنعت فولاد در یک اقدام سراسری از شهرهای مختلف کشور به تهران آمدند تا پیگیر خواستههای فوری خود از جمله خواست لغو خودگردانی صندوق فولاد، انتقال به صندوق بازنشستگی کشوری، مکلف شدن دولت به اجرای تعهدات و پرداخت مطالبات

هفته ای که گذشت یکی دیگر از هفته های پر جنب و جوش اعتراضات کارگری بود. تجمع سراسری بازنشستگان صنایع فولاد مقابل مجلس، تجمع سراسری بازنشستگان پیش از موعد مقابل مجلس، بیش از یکماه اعتراض کارگران کشت و صنعت مهاباد، ادامه اعتراضات کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز، اعتراضات ادامه دار کارگران پلی اکریل اصفهان، از جمله سرتیتر های مهم این اعتراضات است. بعلاوه کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات کارگران، معلمان و فعالین اجتماعی

صفحه ۶

بخشی از فعالیتهای مینا احدی در سال ۲۰۱۶



سال ۲۰۱۶ را پشت سر میگذاریم، به امید اینکه سال ۲۰۱۷ سالی پر از موفقیت و پیشروی برای همه ما و سال سرنگون کردن حکومت اسلامی ایران و پس راندن جنبش اسلامی در همه جا باشد.

اینها البته فقط بخشی از فعالیت ها است. فعالیت هایی که با انکا به یک جهت و یک حزب و تعداد بسیار زیادی از فعالین مدافع حقوق انسانی به پیش برده میشود.

صفحه ۴

اقدامی ناجا

درومرد نامه سی نفر از فعالین سیاسی به ترامپ

اصغر کریمی

نفس نامه نوشتن و دخیل بستن به مرتجع تمام عیاری مثل ترامپ واقعا مضمونکننده است. «جمهوری اسلامی و داعش دوروی یک سکه اند و جهان بدون خلافت اسلامی و جمهوری اسلامی جای بهتری برای زندگی خواهد بود.» این نکته درستی است. اینکه «اوباما همزمان با به گلوله بسته شدن تظاهرکنندگان در خیابانهای تهران مشغول نامه نگاری پنهانی با خامنای بود و سی و هفت سال چشم فرو بستن دول غربی به تروریسم اسلامی که وقایع تاسف باری چون شارلی ابدو، باتاکلان، ترورهای پاریس، بروکسل، اورلاندو و سن پرناردینو را در دو سال گذشته به بار آورده است» نیز نکات درستی است که در این نامه طرح شده است اما درخواست اصلاح این سیاست ها از ترامپ بعنوان مرتجع ترین رئیس جمهور آمریکا و قرار دادن او در کنار مردم ایران را باید به حساب چه چیزی گذاشت؟

امروز از هر شاگرد کلاس اول سیاست پیرسید میدانند که علاوه بر جمهوری اسلامی که پیشقراول داعش است، دول غربی و در راس آنها دولت آمریکا در پیدایش داعش نقش مستقیمی داشته اند. یک جستجوی ساده در گوگل هم نشان میدهد که در سال ۵۷ دولت آمریکا همراه با سه دولت اروپایی، زمانی که از ادامه حکومت شاه ناامید شدند، تصمیم گرفتند برای جلوگیری از قدرت گیری چپ از خمینی و دار و دسته او حمایت کنند. اگر بدرسست میگویند دنیا بدون داعش و جمهوری اسلامی جای بهتری برای زندگی خواهد بود، باید به دولت هایی که به پیدایش اینها خدمت کردند و در راس آنها دولت آمریکا هزار بار لعنت بفرستید.

نامه نوشتن به ترامپ و متوسل شدن به او نشان دهنده بی ریطی به

مردم و به هر نوع آزادیخواهی است. ترامپ مرتجع ترین رئیس جمهور آمریکا است، یک میلیاردر مفتخور، یک شارلاتان عقب مانده مذهبی با درجه بالایی از راسیسم، ضدیت با زن، ضدیت با مهاجر و پناهنده، ضدیت با همجنسگرایی، ضدیت با کوچکترین اقدام رفاهی برای مردم، کسی که معلولین را دست می اندازد، کسی که خواهان گسترش مسابقه اتمی و تسلیحاتی است و با خصوصیات دیگری از این دست.

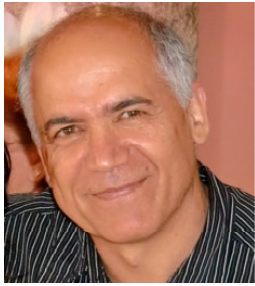
در این نامه از ارزش های بنیادین دولت های مختلف آمریکا هم صحبت شده و از ترامپ خواسته شده که پیرو این ارزشها باشد. کاش نویسندگان نامه این ارزشها را توضیح میدادند. در کدام دوره دولت آمریکا نماینده ارزش های پیشرو در سیاست های داخلی و یا سیاست های خارجی اش بوده است؟ در ویتنام؟ در شیلی دوران پینوشه؟ در اکوادور و در قتل عام مردم اندونزی؟ در پاناما، در ۵۰ سال تحریم اقتصادی علیه مردم کوبا، در گواتمالا و کلمبیا، در حمایت از حکومت شاه و شکنجه و ساواک و کودتا در ایران، در کنفرانس گوادلوپ برای دفاع از خمینی و اسلامی ها، در شکل دادن به طالبان و به قدرت رساندن آن و سپس درست کردن حکومت لویا جرگه قومی مذهبی در این کشور، در اشغال عراق و ایجاد حکومت قومی اسلامی در عراق یا در عربستان و پاکستان و اسرائیل؟ در کدامیک از این کشورها حتی یکبار مدافع ارزش های پیشرو به نفع مردم بوده است؟ دولت های آمریکا یکی پس از دیگری هر جا زورشان رسیده، حکومت هایی که کمی مردمی بوده اند یا مطیع سیاست های دولت آمریکا نبوده اند را با کودتا و هزار توطئه اقتصادی و سیاسی و نظامی یا ترور تعدادی از روسای جمهور این کشورها، کنار زده و دولت های دیکتاتور و سرکوبگر را جای آنها

نشاندند. در درون آمریکا هم ارزش های بنیادین دولت آمریکا یعنی مجازات اعدام، عدم وجود کوچکترین بیمه درمانی برای مردم، تحصیل گران و لوکس و محرومیت اکثریت فرزندان زحمتکش از تحصیلات عالی و حتی متوسطه، فقدان کوچکترین خدمات اجتماعی، طب خصوصی و گران قیمت. حتی در مقایسه با اروپا، اکثریت مردم آمریکا صدار بیشتر در محرومیت به سر میبرند. یک سرمایه داری تماما متکی بر بازار آزاد، بیرحم و وحشی که هیچ حقی برای مردم به رسمیت نمیشناسد. چگونه میتوان از چنین دولتی آنهم از ترامپ انتظار داشت در کنار مردم ایران بایستد!

در خود این نامه به «سی و هفت سال بی اعتنایی و چشم فرو بستن نزدیک بیبانه دنیای آزاد بر بنیادگرایی مسلح و انتحاری اسلامی» صحبت شده است. پس از ۳۷ سال بی اعتنایی چه شد که به ترامپ دخیل بستید؟ و ایکاش فقط چشم فرو بستن بود. دول غربی و در راس آنها دولت آمریکا و در سالهای اخیر دولت روسیه بیشترین نقش را در ماندگاری حکومت هایی مانند جمهوری اسلامی داشته اند. از سکوت رسانه های رسمی غرب در مورد جنایات سی و هفت ساله حکومت اسلامی و سکوت در مورد مبارزات مردم ایران و سانسور اپوزیسیون سرنگونی طلب تا دیپلماسی مماشات و سازش با جمهوری اسلامی و قبل از آن آقا را زیر درخت سیب نشانند و حلوا حلوا کردن آن، اینها سیاست های این ۳۷ سال دول غربی و احزاب حاکم در این کشورها و در پیشاپیش آنها دولت آمریکا بوده است. حال چه انتظاری از موجودی مانند ترامپ دارید؟ این که از همه پیشینیانش لجن تر است که حتی لیبرال های جهان غرب هم سعی میکنند از او فاصله بگیرند! چرا خودتان را نه در کنار صدها میلیون مردم غرب که جانشان از این

دولت ها به لبشان رسیده، بلکه در کنار ترامپ قرار داده اید؟ چگونه میتوانید اینچنین آشکار به اکثریت مردم غرب بی اعتنا باشید و چشم فرو بندید و اینچنین ترامپ را به قهرمان آزاد سازی مردم ایران تبدیل کنید؟ چرا از مردم آمریکا و مردم اروپا نخواستید که فعالانه تر از مبارزات مردم ایران حمایت کنند و دول غرب و از جمله دولت ترامپ را تحت فشار قرار بدهند که با جمهوری اسلامی مماشات نکنند؟ یادتان هست که همان سال ۸۸ که اوباما به خامنه ای نامه مینوشت چه احساسات شورانگیزی نسبت به مبارزه دختران و پسران ایران در سطح جهان شکل گرفته بود؟ چرا به این احساسات خود را نزدیک نمیدانید برعکس به امثال ترامپ که قرار است دمار از روزگار این مردم درآورد دل خوش میکنید؟ چرا اینهمه با اکثریت مردم شریف و آزاده در غرب و ارزش های پیشرو در این کشورها خود را بیگانه احساس میکنید؟ حزب توده و سازمان اکثریت جای مردم و حکومت در ایران را عوضی گرفتند و شما جای مردم و دولت آمریکا را عوضی گرفته اید! چه فرقی دارد؟

در جای دیگری از نامه آمده است «در نتیجه سیاست های غلط هشت سال گذشته، بسیاری از آزادی خواهان ایران، دولت آمریکا را حامی حاکمان مستبد و غیرانتخابی خود می دانند و به امید و اعتمادشان به حمایت ایالات متحده از آزادی و دموکراسی در ایران لطمه وارد آمده است؛ لطماتی که جبران آن تنها با تغییر بنیادین



رویکرد آمریکا توسط شما ممکن خواهد شد. «یعنی قبل از این هشت سال و در دوره بوش پدر و پسر مردم ایران دولت آمریکا را حامی حاکمان مستبد نمیدانستند؟ حکومت های بوش پدر و پسر را حامی خود و کنار خود میدانستند! یعنی موقعی که دولت بوش مشغول سر هم کردن حکومت قومی اسلامی در افغانستان و یا مشغول تحریم اقتصادی مردم عراق و بعد بمب ریختن روی سر مردم عراق بود، مردم ایران برای بوش به به و چه چه میکردند! آخر اینهمه تملق گویی از جمهوری خواهان و بویژه ترامپ بابت چیست؟ ناگفته نماند که این سیاستی است که از سه دهه قبل توسط سلطنت طلبان و از چند سال قبل توسط مجاهدین دنبال میشود. دمکرات ها که سر کار می آیند اینها امیدشان را از دست میدهند و با سر کار آمدن جمهوری خواهان قند در دلشان آب میشود و البته هر بار بعد از چند ماه سرخورده میشوند و امیدهایشان به یاس تبدیل میشود. مردم ایران سالها است با چنین اپوزیسیون ناسیونالیستی آشنا هستند و اگر قرار بود همراه با این اپوزیسیون بالا و پایین شوند باور کنید امروز خبری از اینهمه تحرك سیاسی امیدبخش در جامعه ایران نبود.

چشمه یاتان را کمی باز کنید. دوستان دروغین برای مردم ایران تتراشید. انتظارات واهی و ناجی های خیالی مقابل مردم قرار ندهید. این خدمتی به مبارزه مردم برای رها شدن از جمهوری اسلامی نمیکند.

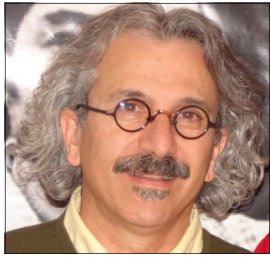


"حقوق شهروندی" روحانی،

بیانیه "حقوق بشر": نقد ما! (۱)

گفتگو با علی جوادی

بر مبنای برنامه تلویزیونی برای یک دنیای بهتر



این مردم بخت برگشته بوده اند. قتل های زنجیره ای را سازمان دادند. چهره های اپوزیسیون در خارج از کشور را ترور کردند. سازماندهی حقوقی و ستم بر زن بر جامعه بوده اند، شعار "یا روسری یا تو سری" شعارشان بوده است و پوینر بر پیشانی زنان جامعه کوبیده اند، مردم این اوباش اسلامی را می شناسند. ذره ای توهم به هیچ جناحی ندارند. صرفا در شرایطی که توازن قوا کماکان به نفع رژیم است از هر درجه تظاهر این رژیم برای تعرض به رژیم و علیه آن استفاده خواهند کرد. دفاع از این بیانیه کار پاسدار- ژورنالیستها و جریان اصلاح طلب حکومتی و غیر حکومتی و جریانات حقیر ملی- اسلامی است. این جریانات مذبحخانه تلاش میکنند تا زمینه سازش و نقطه سازی میان جناحی از رژیم اسلامی و مردم ایجاد کنند. هدفشان اصلاح این هیولای اسلامی بمنظور حفظ کلیت آن است. مردم اما خواهان برچیدن این بساط نکبت و طاعونی هستند. این خواست عمیق و پایه ای توده های مردم محروم در جامعه است.

محمود احمدی: منشور حقوق شهروندی دولت را موظف به دفاع از حق زندگی، حق حیات، برخورداری از کرامت انسانی، عدالت، آزادی و زندگی شایسته را برای همه شهروندان ایران فارغ از جنسیت، ... و گرایش سیاسی اجتماعی، سبک زندگی، باور مذهبی و ... مطرح میکند. پاسخ شما چیست؟

علی جوادی: اگر ما قربانیان حکومت اسلامی، زندگی در تحت سلطه این اوباش اسلامی را تجربه نکرده بودیم، اگر ما تازیانه و شلاق این حکومت بر تنمان نخورده بود. اگر طنابهای دارشان عزیزانمان را بی جان نکرده بود. اگر گلوله های این رژیم بهترین و شریفترین انسانهای این جامعه را به خاک و خون کشیده

گسترده ای در ۱۸ تیر ۷۸ بودیم که اساسا بنیادهای رژیم اسلامی را به لرزه در آورد. ۱۸ خرداد ۷۸ سرآغاز ابراز وجود توده ای مردم سرنگونی طلب بود. این مکانیسم رابطه مردم در قبال تظاهر جناحی از رژیم اسلامی به ذره ای از حقوق شهروندی مردم در جامعه است.

محمود احمدی: ملی اسلامیون به شما خواهند گفت که به این اعتبار مردم باید از این منشور حمایت کنند. پاسخ شما چیست؟

علی جوادی: بهیچوجه، بهیچوجه، مردم نباید از این منشور دفاعی بکنند. برعکس باید در عین حال اهداف واقعی آن را افشاء و نقد کنند. این بیانیه ای برای تحکیم موقعیت جناح اعتدال طلب و اصلاح طلب حکومتی در قبال مردم و جامعه است. بیان واقعی ذره ای از حقوق و موقعیت مردم و شهروندان در جامعه نیست. ملاک جامعه نه گفته ها بلکه واقعیت عملی و مادی حکومت در جامعه است. ببینید کسانی که این بیانیه را تدوین کرده اند، در راس قوه مجریه یکی از جنایتکارترین حکومتهای دوران معاصر قرار دارند. زندانها و دستگاه امنیت و اطلاعات رژیم را رهبری و هدایت کرده و میکنند. در دوران حکومتشان بیشترین اعدامها صورت گرفته است. و در دورانهای متفاوت در تاریخ سیاه این حکومت در کنار جناح راست، و دست در دست این جناح، بیشترین جنایت را علیه مردم مرتکب شده اند. سازماندهندگان قتل عامهای دهه شصت و کشتار و سلب هرگونه حقوق مدنی از زن و مرد در این جامعه بوده اند. خلخالها و بهزاد نبوی ها در کنار خامنه ای و موسوی ها و جنتی و لاجوردی ها و یزدی ها و رفسنجانی و خاتمی و روحانی جملگی در زمره آمرین جنایت علیه

اسلامی، است. دارند تلاش میکنند که لشکرکشی کنند، نیرو جمع کنند و در مقابل جناح مقابل ایستادگی کنند. اساس مصرف و کاربرد این بیانیه در دعوی بی پایان جناحهای رژیم اسلامی است. دارند تلاش میکنند تا توازن قوا را به نفع جناح خود تغییر دهند. از طرف دیگر دارند از قرار سوت آغاز کمپین مضحکه انتخاباتی جناح خود را میزنند.

محمود احمدی: فکر میکنید که این منشور در صورت تصویب چه تاثیری در زندگی مردم می تواند داشته باشد؟

علی جوادی: ببینید هر درجه اعلام پایبندی به هر ذره از حقوق شهروندان از جانب هر جناحی از رژیم، حتی پوچ و تو خالی، از جانب مردم سرنگونی طلب، از جانب مردمی که میخواهند سر به تن رژیم اسلامی نباشد، اینطور تلقی خواهد شد که میتوانند از این تظاهر به حقوق شهروندان برای تعمیق شکافهای رژیم و به عقب راندن و سوق دادن رژیم به طرف پرتگاه سرنگونی استفاده کنند. فشار بر جمهوری اسلامی را افزایش دهند. و از این رو خواستها و مطالبات انسانی و آزادیخواهانه و برابری طلبانه خودشان را مطرح کنند. البته این به این معنا نیست که این بیانیه باعث ایجاد توهم به این جناح از رژیم در صفوف مردم سرنگونی طلب خواهد شد. خیر! مردمی که نزدیک به چهار دهه در زیر دست و پای این حکومت سیاه مذهبی روزگار سیاهی را از سر گذرانده از هر شکاف و تظاهر این رژیم برای عقب راندن حکومت و طرح مطالبات خود استفاده خواهند کرد. همانطور که در دوران دوم خرداد مردم از پروژه دوم خرداد برای عقب راندن جناح راست و کل رژیم اسلامی استفاده کردند و ما شاهد اعتراضات

اشرافیت و خون و امثالهم میگیرد. در این جوامع اصولا انسان فاقد هر گونه حق و حقوقی است.

محمود احمدی: آیا در این بیانیه حقوق معتقدین به اسلام و مذاهب مختلف برسمیت شناخته شده است؟ یا تقدشان پوچ و تو خالی است؟

علی جوادی: نقدشان پوچ و تو خالی است. اتفاقا آزادی مذهب یکی از مفاد بیانیه سی ماده ای حقوق بشر است. انسان انسان است، مستقل از باور یا عدم باور به هر مذهب و ملیتی. بیانیه جهانی "حقوق بشر" به این اعتبار که شهروند جامعه را دارای حقوق تعریف شده ای مستقل از تعلقات و باورهای مذهبی میداند، یک دستاورد بشر در جوامع غربی است. ببینید اسلامیستها به دنبال حقوق ویژه برای جریانات و دار و دسته های اسلامیستی در این جوامع هستند. حتی فرد معتقد به خرافه و مذهب اسلام، فرد مسلمان، در جوامع اسلام زده فاقد کمترین حقوقی است. بعلاوه تقسیم جامعه به مسلمین و غیر مسلمین و کافرین و مشرکین یک تقسیم بندی و دیدگاه کثیف و ضد انسانی است.

محمود احمدی: به منشور حقوق شهروندی روحانی بپردازیم. چه دلایل سیاسی و اجتماعی باعث تدوین و اعلام این بیانیه شده است؟

علی جوادی: تدوین "حقوق شهروندی" یکی از وعده های مضحکه انتخاباتی این جریان بود. و اکنون که چند ماه پیش از دور جدید این مضحکه اسلامی است، باز با بوق و کرنا به راه افتاده اند. همان اهداف پیشین را دقیقا در دوره جدید این معرکه اسلامی مد نظر دارند. بعلاوه تدوین این بیانیه واکنشی به تعرضات جناح راست و خامنه ای، در راس حکومت آدمکشان

محمود احمدی: ۱۰ دسامبر سالروز بیانیه جهانی حقوق بشر بود. این بیانیه برای اولین در سال ۱۹۴۸ در پاریس حقوق جهانشمول انسانها را تصویب کرد. همچنین اخیرا دولت روحانی هم بیانیه "حقوق شهروندی" خودش را تدوین کرده است. و در این چهارچوب مطرح میکنند که بیانیه حقوق بشر یک بیانیه غربی است و هیچ نقش و نگرشی از اسلام در این بیانیه موجود نیست و به این اعتبار بر علیه انسانهایی است که در این جوامع زندگی میکنند. نظر شما چیست؟

علی جوادی: البته ناسیونالیستها دو آتشه این تذکر را به شما خواهند داد که پیش از بیانیه حقوق بشر، استوانه کورش حقوق شهروندان را تدوین کرده بود و به این اعتبار اولین بیانیه حقوق بشر بود؟! جالب است، بیانیه حقوق بشر در دوران ارباب و رعیتی و برده داری؟ این هم گوشه ای از تحریف کودکانه تاریخ توسط ناسیونالیستها است. بعلاوه باید تاکید کنم که اولین بیانیه ای که حقوق شهروندان را بطور جامعه مطرح کرد، بیانیه حقوق انسانها در پس پیروزی انقلاب کبیر اکتبر بود.

اما در مورد سئوالستان و نقد اسلامیستها به آن، اتفاقا این یک نقطه قوت بیانیه "حقوق بشر" پاریس است که خوشبختانه بویی از اسلام نبرده است. اسلامی نیست. فلسفه اسلام، نگرش و دیدگاههای کثیف اسلام جایی در آن ندارد و اسلام مبنای حقوق شهروندی در این بیانیه نیست. از طرف دیگر در این بیانیه اثری از نگرش و فلسفه مسیحیت و یا هیچ مذهب ضد انسانی دیگری هم نیست. و بهمین اعتبار پیشرفت مهمی نسبت به "حقوق انسان" در جوامع اسلام زده و یا مسیحیت زده و هر حکومتی است که منشأ خود را از ماورالطبیعه و الهیات و یا

بخشی از فعالیتهای مینا احدی در سال ۲۰۱۶

سال ۲۰۱۶ در آلمان با حمله تعدادی مرد جوان به زنان در شب سال نو آغاز شد. موضوعی که در ابتدا از سوی مسئولین و پلیس علنی نشد چرا که حمله کنندگان اساساً از کشورهای اسلام زده بودند. بحث و جدلی داغی در گرفت و ما در يك جبهه به همراه مدافعین حقوق انسانی و حقوق زنان ایستادیم و خواهان روشن شدن موضوع و نقد به فرهنگ و اخلاقیاتی شدیم که در کشورهای اسلام زده روزانه قربانی میگیرد و زندگی را بر زنان نامن میگذارد.

ژانویه ۲۰۱۶

مصاحبه با رسانه های آلمانی و بین المللی در مورد حمله تعدادی به زنان در شب سال نو در کلن و دیگر شهرهای آلمان

در این مورد مینا احدی هم در همان روزهای اول مورد سوال رسانه ها بود و مصاحبه او با ام د ار بارها بازپخش شد. با تیتراژ پشت این واقعه يك تصویر و نگاه به زن نهفته است.

بعد از تعرض به زنان در شب سال نو نهاد اکس مسلم همراه با بقیه خواهان روشن شدن علل واقعه شب سال نو است

نشریه اما از میتینگ علیه حمله به زنان در شب سال نو و تاکید بر مواضع اکس مسلم و سخنرانی مینا احدی گزارشی منتشر کرد.

گاردین و کریستین ساینس مانیپور از واقعه کلن گزارشاتمی همراه با مصاحبه با نسان نودینیان و لیلیا شعبانی و روبین منتشر کردند.

تلویزیون سراسری اطریش او ار اف. برنامه در مرکز "این سنتروم" و شبکه يك آلمان نیز گزارشاتمی در این زمینه منتشر کردند.

مینا احدی بدلیل فعالیتهای گسترده در آلمان شناخته شده است و برای سخنرانی در دانشگاهها و برای حضور در پانل های مربوط به نقد مذهب و اسلام همواره دعوت میشود. اولین سخنرانی او در سال ۲۰۱۶ در مورد مذهب و جامعه سکولار بود.

۲۶ ژانویه کمونیزم را از مارکس

و منصور حکمت آموختم عنوان مصاحبه با روزنامه پارلمانتی در چک.

فوریه ۲۰۱۶

جامعه سکولار با مذهب چگونه رفتار میکند. عنوان کنفرانسی بود در دانشگاه بیلفلد پانل با حضور مینا احدی پروفیسور دکتر هلر و من پروفیسور دکتر ول راین هولد، پروفیسور دکتر میشلالا رم

مارس ۲۰۱۶

مینا احدی در روز ۷ مارس در شهر روستوک يك سخنرانی انجام داد.

روز جهانی زن

هشت مارس ۲۰۱۶ در کلن آلمان برنامه ای با دعوت از هنرمندان شاهرخ مشکین قلم و گروه تشاتر فاطمی محملی و سخنرانی مینا احدی و رعنا احمد از عربستان سعودی

آوریل ۲۰۱۶

سخنرانی در پانل در شورین آلمان مصاحبه در مورد مسجد سازی در آلمان

ماه مه

حزب دست راستی آلمان با رهبری فرانکه پتری به تبلیغات ضد پناهندگی و راسیستی دست میزند و از معضل اسلام و زن ستیزی اسلامی و یا جنایات تروریست های اسلامی، به عنوان يك نعمت برای فضا سازی علیه پناهندگان و مهاجرین استفاده میکند.

فرائوکه پتری رهبر حزب دست راستی آلترناتیو برای آلمان از مینا احدی دعوت میکند که همدیگر را ملاقات کنند، پاسخ مینا احدی علنی است و در توضیح اینکه چرا این دعوت را قبول نمیکنند. این نامه در سایت هومانیسستها ۳۰۰ هزار بار خوانده شده و وسیعاً در شبکه های اجتماعی پخش میشود. در این نامه مینا احدی میگوید که خودش چرا ضد جنبش اسلامی و منتقد همه مذاهب است و چرا احزاب دست راستی و راسیست را بسیار شبیه به

اسلامیها میدانند...

ژوئن ۲۰۱۶

۲۷ ژوئن ۲۰۱۶ مصاحبه مفصل پترا آدیك با مینا احدی در سایت بیروپین اسلام به آلمان تعلق ندارد.

اگوست ۲۰۱۶

مصاحبه بنیاد ریچارد داوکینز با احدی

۱۰ اگوست بیانیه مهم ده شخصیت منتقد اسلام در آلمان از جمله حامد عبدالصمد میشلاییل اشیت سالمون، نازنین برومند و مریم نمازی

از نظر من همه مذاهب ضد زن هستند. باید شجاعانه و علنی اسلام را نقد کرد امری که بدلیل تروریسم اسلامی، بسیاری را به سکوت وادار کرده است.

با شنیدن الله اکبر خشم سرپای وجودم را میگیرد. مصاحبه با نشریه مهم دی ولت

۲۲ اگوست مصاحبه با رادیو آلمان

سپتامبر ۲۰۱۶

۱۵ سپتامبر نشریه مهم گالور و گفتگوی مفصل با مینا احدی با تیتراژ بس کنید بی ضرر جلوه دادن جنبش اسلامی را من این هیولا را می شناسم ، مصاحبه با مینا احدی در مورد جنبش اسلامی

هایم های پناهندگی در آلمان تعدادی از طرفداران داعش و تروریست اسلامی نیز خود را به اسم پناهنده جا زده و در همان هایم ها فضای رعب و وحشت ایجاد میکنند. صبح زود همه را برای نماز خواندن بیدار میکنند با صدای بلند قران پخش میکنند و مساجد در آلمان نیز خود را وارد معرکه کرده و تقلا میکنند مردم فراری از دست جنبش اسلامی را اینجا نیز مورد آزار و اذیت قرار دهند. در این مورد کسی حرف زیادی نمیزند کماکان مالتی کالتالیستها و اسلام پناهان سعی میکنند موضوع را زیر فرش کنند.

اکتبر ۲۰۱۶

۲۱ اکتبر

مصاحبه شبکه اول تلویزیون آلمان برنامه صبحگاهی علیه پگییدا با مینا احدی

از جمله پناهندگانی که از دست حکومتهای دیکتاتور و اسلام فرار کرده اند رعنا احمد از عربستان سعودی است. ما به او کمک میکنیم.

رعنا احمد و پاسخ او به سوالات مسئول سایت اکس مسلم به زبان عربی

پناهندگان سکولار و لامذهب و مشکلات آنها مصاحبه با خبرنگاران در این مورد

من و عاطفه رجیبی در یکی از کتابهای مهم چاپ اطریش

فرار از مذهب کنفرانسی در دفاع از حق پناهندگی

۱۷ اکتبر ۲۰۱۶

نوامبر ۲۰۱۶

۳۰ نوامبر

مصاحبه مفصل با و.ا.ر دسامبر

در معرفی کتاب مینا احدی من از مذهب رویگردانم در تلویزیون اطریش

سوار قطار هستم و از اشتوتگارت بعد از مصاحبه با اس و ار و یک روز پر هیجان راهی کلن هستم.

تلفنم زنگ میزند، شماره مونیخ است جواب میدهم، از انتشاراتی هاینه است خانمی که کتابم را قبلاً ویراستاری کرد، خودش را بمن معرفی میکند و میگوید بعد از هشت سال مجدداً سلام، خوشحال میشوم و باهم احوالپرسی میکنیم، میگوید خانم احدی، نویسنده يك کتاب مهم و وزین از اطریش برای شما يك نسخه از کتاب ارزشمندش را فرستاده که ما به دست شما برسانیم. کتابی با يك نامه از نویسنده:

مینا احدی عزیز

من کتابم به اسم "درودی ازطرف انجلیوس" را برایت میفرستم که این هفته در انتشاراتی پاساژ در وین منتشر شده است. در این کتاب من بارها از کتاب تو به اسم "من از

مذهب رویگردانم" کد می آورم، ولی من باید بگویم از کار تو بسیار چیزها آموختم، من کتاب ترا بسیار می پسندم و ترا ارج می نهم بخاطر شجاعتی که داری. شجاعت در بیان حقایق، چیزی که بسیار حیاتی است. موضوع این کتاب نقد ایدئولوژی و تفکرانی است که از حدود هفت قرن قبل از میلاد مسیح در یونان شروع شده و تا امروز و در زندگی امروز ما و با تحقیر کامل زنان در اسلام ادامه پیدا کرده است. این کتاب من مثل کارهای تو برای پیشبردن برابری زن و مرد، چه چیز مهمتر از برابری و همچنین برای يك زندگی انسانی برای همگان در روی کره زمین است.

با آرزوی موفقیت برای شما تورگ کارلسروه

در صفحه ۲۴۴ این کتاب تیتراژ اصلی اینست: من از مذهب رویگردانم، کتابی به قلم مینا احدی و زینا فوگت. و در يك صفحه عکسی از اعدام يك زن و بالای صفحه نوشته، اعدام برای يك قربانی تجاوز

جایزه شرکت کنندگان در فستیوال فیلم آلمان به فیلم نامه بیوگرافی مینا احدی در برلین

۲۹ نوامبر در قسمت سناریو نویسی در کنار جایزه حاضرین در فستیوال يك جایزه ویژه هیئت داوران به فیلمها و برنامه های تلویزیونی داده شد.

هر دو جایزه به فیلم های مستندی تعلق گرفت که به مسائل مطرح امروز همچون اسلام و یا پناهندگی پرداخته بودند.

جایزه تماشاگران را بولیان واینرت دریافت کرد برای سناریویی که نوشته بود در مورد بیوگرافی و زندگی روزانه مینا احدی ژورنالیست و کارشناس منطقه خاورمیانه که در سال ۱۹۹۰ از ایران فرار کرده، و جایزه هیئت داوران را فیلم چهنم در مغز من از چپو یوانگ که افراد مختلفی را که از مناطق جنگی فرار کرده اند همراهی کرده و زندگی آنها را به

صفحه ۷

یادداشت‌های هفته

همید تقوایی

شگفتی ۲۰۱۶ و شگفتی که در راه است

بسیاری از رسانه‌ها ۲۰۱۶ را سال شگفتی‌ها نامیده‌اند. سال تحولات غیر قابل پیش بینی. انتخاب دونالد ترامپ در راس این شگفتی‌ها قرار دارد. سایت خبری "ان بی سی" مینویسد: "رئیس جمهور منتخب دونالد ترامپ امر نامنتظره و غیر ممکن را عملی کرد."

برای خیلی‌ها انتخاب ترامپ قابل پیش بینی نبود اما در مورد بحران سیاسی در غرب و بی اعتمادی بخش اعظم مردم آمریکا و اروپا به سیستم حکومتی و نظام موجود رسانه‌ها و نهادها و صاحب نظران متعددی از مدت‌ها قبل هشدار داده بودند. در سال ۲۰۱۴ موسسه گالوپ در یک گزارش آماری اعلام کرد بیش از ۸۰ درصد مردم آمریکا به سیستم حکومتی در آن کشور بی اعتماد هستند. انتخاب ترامپ یکی از بروزات این بی اعتمادی است. مردم نه بخاطر سیاست‌های اثباتی ترامپ که هنوز حتی خود او هم نمیداند چیست، و یا مواضع و اظهارات راسیستی و سوپر راست و فوق ارتجاعی او، بلکه بخاطر مخالف خوانی‌هایش علیه سیستم موجود و بخاطر اینکه توانست خود را بعنوان فردی خارج از سیستم و مخالف هر دو حزب حکومتی آمریکا به مردم بشناساند انتخاب شد. همانطور که برگسیت نیز بخاطر مخالفت مردم انگلیس از وضع موجود رای آورد.

اکنون با انتخاب ترامپ شانس بقدرت رسیدن

احزاب و چهره‌های راست افراطی در اروپا نیز افزایش یافته است. این کاملاً محتمل است که در انتخابات فرانسه و هلند و ایتالیا و آلمان و برخی دیگر از کشورهای اروپائی هم احزاب راست بقدرت برسند و یا در هر حال ثقل بیشتر در سیستم حکومتی پیدا کنند اما بعد از ریاست جمهوری ترامپ و هر قدر از زمامداری او بگذرد این شانس کمتر خواهد شد. موجی که شروع شده قابل دوام نیست و میتواند به سرعت به ضد خود تبدیل بشود.

راست افراطی بر زمینه بحران مزمین اقتصادی و بی افقی و بن بست سیاسی - اجتماعی بورژوازی بجلو رانده شده است اما راه حلی ندارد. قدرتگیری این نیروها بحران همه جانبه بورژوازی را عمیق تر خواهد کرد. در عصر جهانی شدن سرمایه‌ها ناسیونالیسم افراطی و پروتکشنیسم اقتصادی و حمله به خارجی‌ها - حمله به دولت‌ها و کارگران "غیر خودی" - بعنوان ریشه مسائل اقتصادی و اجتماعی موجود پوچ تر و بی پایه تر از آنست که بتواند گره از کار فرو بسته حکومتها بگشاید. این هیاهو به سرعت به ضد خود بدل خواهد شد. سال ۲۰۱۷ سال تعمیق بیش از پیش بحران حکومتی بورژوازی است و میتواند سال شگفتی دیگری باشد: شگفتی بمیدان آمدن چهره‌ها و نیروهای "چپ افراطی" با پرچم نقد سوسیالیستی وضع موجود!

بیعدالتی در ذات جمهوری اسلامی است

"عدالت فوق قومیت و مذهب و جناح‌بندی‌های سیاسی است".

حسن روحانی این اظهار نظر از جانب رئیس جمهور نظامی که تمام موجودیتش بر تبعیض و تفرقه و نفرت پرکنی مذهبی بنا شده است تنها نشاندهنده بالاگرفتن دعوای درون حکومتی است. شان نزول این حکم گلایه از جناح حکومتی رقیب است. روحانی جناح مقابل را نصیحت میکند که "نباید خرده حسابها، دعوای و دشمنی موجب آن شود که ما از عدالت فاصله بگیریم". شاید کنار گذاشتن دعوای و خرده حسابهای بین جناحی درد روحانی را دوا کند ولی مشکل مردم کل دستگاه جنایتی است که نظام جمهوری اسلامی نامیده میشود. کل این نظام بر مذهب بنا شده است و قصاص اسلامی که اساس قوه قضائیه جمهوری اسلامی است بجز نفرت پرانی مذهبی، انتقامگیری قومی و عشیرتی، و ظلم و بی عدالتی مفرط در حق اکثریت عظیم مردم معنائی ندارد. برای عدالت بری از مذهب و قومیت باید کل سیستم قضائی اسلامی را ریشه کن کرد و این تنها با برانداختن کل جمهوری

اسلامی امکان پذیر است. حتی افشاگریهای خود جناحهای حکومتی از دزدیهای نجومی یکدیگر و کشتارهای دهشتناک حکومت در دهه شصت تاکید بر ضرورت خلاصی از شر کل این نظام است. در این میان نگرانی روحانی، همانند دیگر مقامات حکومتی از هر دو جناح، حفظ اعتبار نظام است. روحانی میگوید: "در پرونده‌های مهمی که اموال عمومی حیف و میل شده باید سوالات مردم پاسخ داده شود. وگرنه مهم تر از دست دادن ۳ میلیارد یا ۱۰ میلیارد دلار مساله اعتماد عمومی مردم و سرمایه اجتماعی است." اما مدتهاست این سرمایه اجتماعی از دست رفته است. جمهوری اسلامی نه براعتمداد مردم بلکه بر سرکوب و ارباب مردم حکومت خود را بنا کرده است. کافی است تنها یک روز بساط بسیج و سپاه و گشتهای ارشاد و انواع نیروهای امنیتی را از خیابانها جمع کنند تا مردم بساط کل نظام را درهم بپيچند. تنها راه رسیدن به "عدالت فوق قومیت و مذهب و جناح‌بندی‌های سیاسی" پایان بخشیدن به حکومت مذهبی جمهوری اسلامی است.

حکومت و وزیر کشیدن دیکتاتوری حاکم در خیزش ۸۸ بسیار صریح تر و گسترده تر مطرح شد. جنتی کشف عجیبی نکرده است که جنبش ۸۸ را تحولی فراتر از مساله تقبل در انتخابات و هدف آنرا براندازی نظام میدانند. "مرگ بر خامنه ای" و "موسوی بهانه است کل نظام نشانه است" از جمله شعارهای توده ای در تظاهرات سال ۸۸ بود. این نوع "افشاگریهای" جنتی و دیگر اصولگرایان در مورد فتنه ۸۸ در واقع حمله به دارو و دسته رفسنجانی روحانی و اصلاح طلبانی است که به نظر اصولگرایان موضع قاطعی در قبال ۸۸ ندارند. وگرنه هر دو جناح میدانند که "افشای" ماهیت سرنگونی طلبانه خیزش ۸۸ در نظر مردم تنها نشانه

"حماسه" ۹ دی و "قیام ملی" ۲۸ مرداد

بسیجی‌های و لباس شخصیها و چاقوکشان حکومتی در نه دی ۸۸ را حماسه می خوانند. اولی جنبش مردم را توطئه روسها میدانست و دومی توطئه آمریکا. این ادعاها ویژه جمهوری اسلامی یا نظام سلطنت نیست، همه دیکتاتورهای تلاش میکنند با همین نوع توجیحات اعتراضات و خیزشهای توده ای را تخطئه کنند. اساس حرکت توده ای مردم ایران در هر دو تحول ۳۲ و ۸۸ بجالش کشیدن حکومت موجود بود با این تفاوت که خواست و شعار سرنگونی

می خواستند بکنند و بر این مبنا باید به این بیندیشیم که اگر فتنه به ثمر رسیده بود چه می شد و حماسه نهم دی چه کرد.

جنتی رئیس مجلس خبرگان

سالگرد ۹ دی ۸۸ برای حکومت اسلامی همان جایگاه را پیدا کرده است که کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ برای رژیم شاه داشت. حکومت سلطنتی بخوابان ریختن شعبان بی مخ ها در روز ۲۸ مرداد را قیام ملی می نامید و مقامات حکومت اسلامی به خوابان ریختن

"فتنه مسئله ای بود که از حدود ۱۰ سال قبل از سال ۸۸ آن را بررسی کرده بودند و اساس این بود که فتنه گران به فکر براندازی جمهوری اسلامی بودند ... اساسا مسئله انتخابات مطرح نبود بلکه مسئله نظام جمهوری اسلامی، انقلاب اسلامی و براندازی آن مطرح بود یعنی حرکتی که حکومت اسلامی را سرکوب و نابود کنند و حکومتی سکولار زیر نظر آمریکا جایگزین شود. این مسئله ای است که اشخاص به ویژه نسل جوان باید آن را بدانند که فتنه گران چه

کارگران در هفته ای که گذشت

از صفحه ۱

شهرهای کرمان، اصفهان، مشهد، مبارکه، زیرآب، طبس، سمنان، شاهرود، سنگرود به تهران آمده بودند تا در حرکتی سراسری و هماهنگ خواستهایشان را پیگیری کنند. و این کار از طریق فراخوانی که در ملیای اجتماعی داده شده بود، صورت گرفت.

سازماندهی اعتراضات سراسری در مقابل مجلس يك اتفاق مهم و يك پیشروی قابل توجه در جنبش اعتراضی کارگری و جنبش های اجتماعی در سطح جامعه است. قبلاً نمونه موفق سازماندهی چنین اعتراضاتی را در مبارزات معلمان شاهد بودیم و امروز دامنه آن گسترده تر شده است.

نمونه دیگر از اعتراضات سراسری در مقابل مجلس، در همین هفته در چهارم دیماه ۴ دی ماه توسط بازنشستگان پیش از موعد تامین اجتماعی در مقابل مجلس روی داد. در این روز بیش از ۶۰۰ نفر از بازنشستگان پیش از موعد سازمان تامین اجتماعی از شهرها و استان های مختلف در اعتراض به محاسبه مستمری دوران بازنشستگی خود و نادیده گرفته شدن سنوات ارفاقی شان و با خواست افزایش میزان مستمری ها و پرداخت طلبهایشان به تهران آمده بودند.

و نمونه های دیگری از تجمعات اعتراضی سراسری کارگری در مقابل مجلس نظیر تجمع اعتراضی کارگرانی از صنایع نفت و پتروشیمیها، تجمع کارگران و پرسنل شرکتی مخابرات، تجمعات اعتراضی علیه لایحه ضد کارگری «اصلاح قانون کار» در آبانماه، تجمعات اعتراضی معلمان بازنشسته، تجمع اعتراضی صدها کارگر صنعت برق را میتوان نام برد که قبلاً شاهد وقوع آنها بوده ایم. این اعتراضات نشانگر سطح بالاتری از سازماندهی و متحد شدن کارگران حول خواستهای سراسری ترشان است. این اعتراضات صف قدرتمندتری از مبارزات کارگری را به نمایش گذاشته و برای پیشروی های بیشتر جنبش کارگری راه نشان میدهد. از تجربیات این مبارزات باید آموخت.

ادامه کارزار علیه لایحه ضد کارگری «اصلاح قانون کار»

بنا بر گزارش سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران روز دوم دیماه سیمناری در بررسی اصلاح قانون کار و تاثیر آن بر زندگی و کار افشار مختلف با حضور جمعی از فعالان کارگری، لغو کار کودک، زنان، دانشجویان، پرستاران و معلمان برگزار شد. در بخشی از این گزارش چنین آمده است: «از آنجا که نیروی کار نقش اصلی را در تداوم حیات جامعه دارد و هر گونه تغییری در مناسبات کار تاثیر مستقیمی بر زندگی بخش های مختلف جامعه دارد، در این نشست بندهای پیشنهادی اصلاحیه قانون در مورد حذف حداقل سن کودکان از کارهای کارآموزی (بند ۱۱۲)، تاثیر خصوصی سازی بر آموزش و پرورش، تحمیل قراردادهای موقت و کمتر از يك ماه و حتا روزانه به معلمان، پرستاران و کارگران، بحث ادغام سازمان تامین اجتماعی با بیمه سلامت و حذف نام این سازمان از قانون کار که منجر به تضییع حقوق صاحبان این سازمان یعنی کارگران و زحمتکشان می شود، بازتر کردن دست کارفرمایان و شرکت های پیمانکاری و حذف بیمه اجباری از کارگاه ها و واحدهای تولیدی و خدماتی و همچنین بندهای دیگر آن که تاثیر مستقیمی بر زندگی زنان، پرستاران، معلمان، دانشجویان دارد، به تفصیل مورد بررسی قرار گرفت». بنا بر گزارش نکته قابل توجه این سمینار تاکید بر همبستگی هر چه بیشتر بخش های مختلف جامعه علیه سرکوب و تعرض به زندگی و معیشت آنان است و در گزارش چنین آمده است: در پایان نیز بر همبستگی هر چه بیشتر بخش های مختلف جنبش اجتماعی علیه سرکوب و اعمال بی حقوقی علیه افشار تحت ستم و ضرورت هماهنگی و همدلی میان جنبش های کارگری، زنان، دانشجویی، پرستاران و معلمان و فعالان اجتماعی لغو کار کودک تاکید گردید و عنوان شد که اگر قرار است تغییری در قانون کار صورت گیرد تنها در صورتی مورد قبول خواهد بود که در جهت رفع محرومیت ها و افزایش حقوق انسانی، اجتماعی و اقتصادی مزد

و حقوق بگیران باشد و محدودیت های جدی برای کارفرمایان و استثمارگران نیروی کار ایجاد کند و این کار وظیفه ی خود کارگران و زحمتکشان و نمایندگان واقعی آنان است تا بر مبنای نیازهای واقعی شان تغییرات لازم را در قوانین کار اعمال کنند. فایلهای صوتی سخنرانی ها به تدریج منتشر خواهد شد».

برگزاری چنین سمینارهایی به طور واقعی يك راه عملی برای گفتن سازی و متحد کردن صفوف کارگران بر سر خواستهای سراسری خود و سازماندهی يك صف متحد اعتراض سراسری علیه فقر، سرکوب و حقوق پایه ای کل جامعه است.

در ادامه اعتراض علیه لایحه «اصلاح قانون کار» بهنام ابراهیم زاده از زندان رجایی شهر در این هفته بیانیه ای داده است که در بخشی از آن چنین آمده است:

«لایحه «اصلاح قانون کار» لایحه تحمیل محرومیت بیشتر به ما کارگران و کل مردم است. لایحه کشیدن کار بیشتر از گرده کارگر و به حراج گذاشتن نیروی کارش است. لایحه گرفتن چماق اخراج بر روی سر کارگری است که اعتراضی دارد و من هم همصدا با همکارانم به این لایحه اعتراض دارم. من هم همصدا با همکارانم خواستار خارج شدن فوری این لایحه از دستور کار مجلس و پاسخگویی فوری به خواستهای برحق ما کارگران هستم. در آخرین خبر رئیس کمیسیون اجتماعی کرد از احتمال تصویب کلیت این لایحه خبر داد. اما ما کارگران این بردگی را قبول نمیکنیم. و همکاران من در سندیکی شرکت واحد، در اتحادیه آزاد کارگران ایران و در کارخانجات مختلف در آخرین اعتراضی که در مقابل مجلس اسلامی در ۲۵ آبان داشتند، اعلام کردند که اگر این لایحه از دستور مجلس خارج نشود، تحصن خواهند کرد. و من به این اتحاد و همبستگی همزمانم درود میفرستم و اگر چه در زندانم ولی خود را همراه آنان میدانم.

يك تلاش لایحه اصلاح قانون کار، کنار زدن تعیین حداقل دستمزدها سالی یکبار و سپردن آن به قراردادهای فردی کارگران و متفرق کردن صف اعتراض ما کارگران

است. در پاسخ به این موضوع ما کارگران باید متحد تر از هر سال بر سر خواست افزایش دستمزدهایمان تاکید کنیم. خصوصاً اکنون که پایان سال ۹۵ است و موضوع تعیین حداقل دستمزدها در دستور قرار میگیرد، بار دیگر اعلام کنیم که دستمزدها زیر خط فقر را نمی پذیریم. ما خواستار افزایش حداقل دستمزدها بالاتر از خط فقری است که خودشان اعلام کردند»

کارزار علیه لایحه ضد

کارزار «اصلاح قانون کار» يك کارزار اجتماعی است. خواست آن خارج شدن این لایحه از دستور کار مجلس و افزایش فوری دستمزدها، پایان داده به امنیتی کردن مبارزات و حقوق پایه ای چون حق تشکیل، حق اعتصاب، حق تجمع و آزادی بیان است. این کمپین هم اکنون در همبستگی گسترده در دفاع از خواستهای اعتراضی زندانیانی چون آرش صادقی، مرتضی مرادپور، علی شریعتی، سعید شیرزاد، مهدی طاهری دراعتصاب غذا بسر میبرند و

جانشان در خطر است، ادامه دارد. در این رابطه طومارهای اعتراضی جمع شده است. در حمایت از خواستهای آنان حدود شصت نفر از خانواده های زندانیان سیاسی، خانواده های جانبازان دهه شصت، تعدادی از مادران و خانواده های خاوران و کشته شدگان دهه شصت، تعدادی از زندانیان سیاسی قیدی و تعدادی از خانواده های زندانیان سیاسی نامه شدت یافته است.

کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات کارگران، معلمان و فعالین اجتماعی همراه با گسترش اعتراضات مردم و تعمیق بحران درون حکومتی، جمهوری اسلامی بازداشت فعالین کارگری و سایر فعالین اجتماعی را گسترش داده و احکام سنگینی علیه آنها صادر کرده است. و فشار بر زندانیان سیاسی شدت یافته است.

اتهامات محکومین به زندان از جمله چهره های شناخته شده کارگری و معلمان چون جعفر عظیم زاده، اسماعیل عبیدی، محمود بهشتی، ابراهیم مددی، داود رضوی، بهنام ابراهیم زاده، آتنا دانمی، رضا

شهابی، محمود صالحی، آرش صادقی، گلرخ ابراهیم ولیست و سببی از دیگر زندانیان سیاسی در بند اقدام علیه نظم و امنیت ملی، توهین به خامنه ای، توهین به مقدسات، اجتماع و تبنانی علیه «امنیت کشور»، اعلام شده است. و جرم اینان دفاع از حقوق کارگر، حقوق کودک، و حقوق انسانهاست. کمپین علیه امنیتی کردن مبارزات کارگران، معلمان و فعالین اجتماعی، يك کمپین مهم اجتماعی



در اعتراض به این سرکوبگری ها و امنیتی کردن مبارزات است. کمپینی در دفاع از مبارزات برحق مردم علیه فقر و فلاکت حاکم و محروم بودن از آزادی های پایه ای چون حق تشکیل، حق اعتصاب، حق تجمع و آزادی بیان است. این کمپین هم اکنون در همبستگی گسترده در دفاع از خواستهای اعتراضی زندانیانی چون آرش صادقی، مرتضی مرادپور، علی شریعتی، سعید شیرزاد، مهدی طاهری دراعتصاب غذا بسر میبرند و جانشان در خطر است، ادامه دارد. در این رابطه طومارهای اعتراضی جمع شده است. در حمایت از خواستهای آنان حدود شصت نفر از خانواده های زندانیان سیاسی، خانواده های جانبازان دهه شصت، تعدادی از مادران و خانواده های خاوران و کشته شدگان دهه شصت، تعدادی از زندانیان سیاسی قیدی و تعدادی از خانواده های زندانیان سیاسی نامه

درهمین رابطه در این هفته بهنام ابراهیم از زندان نامه داده است. در بخشی از این نامه چنین آمده است: «این جوانان صرفاً به جرم ابراز عقایدشان و بیان خواستهای انسانی

بخشی از فعالیت‌های مینا احدی ...

از صفحه ۴

نمایش گذاشته است.

بقیه مطلب به زبان آلمانی از روزنامه آگماینه تسایتونگ

زنان سرکش در اسلام

رعنا احمد در عربستان و در کنار کعبه پلاکاردی در دست دارد که نوشته من از اسلام رویگردانم. من اکس مسلم هستم و دختر جوانی به اسم وروود زهیر از کربلا فرار کرده و با نهاد اکس مسلم همکاری میکند برای اینها و همچنین جمیله میراکی از کردستان ایران، کنفرانسی سازمان دادیم به اسم زنان سرکش در اسلام که مورد توجه زیادی قرار گرفت.

کنفرانسی در نقد اسلام و دفاع از حقوق زنان در کلن

نقد جنبش اسلامی از نگاه چپ موضوع اصلی شماره جدید میکرو مگا نشریه وزین ایتالیایی است. در این شماره که روی جلد آن نوشته نه به شریعه در اروپا، از جمله با من و مریم نمازی مصاحبه مفصلی انجام داده است.

۲۲ نوامبر سخنرانی در هامبورگ به دعوت حزب چپ

حزب چپ در آلمان لام تا کام در نقد اسلام و جنبش اسلامی و یا حتی جنایات حکومت اسلامی در ایران حرف نمیزند. مینا احدی در اواخر سال ۲۰۱۵ نامه سرگشاده ای به یک چهره مهم این حزب سارا واگنکنخت نوشت و پرسید چرا یک کلمه در مورد سنگسار و اعدام در ایران نمیگوید و چرا جنبش اسلامی و جنایات این جنبش را نمی بیند. این نامه بسیار مورد توجه قرار گرفت و حتی کادرها و اعضای این

قبل از آن چند مقام اتحادیه اروپا با صدور بیانیه ای از فعالیت های شعله پاکروان در ایران بر علیه اعدام دفاع کردند.

نشریه معتبر گالور مصاحبه مفصلی در شماره اکتبر خود با مینا احدی پخش کرد.

اسلام خوش خیم و طرفدارانش در آلمان

لمیا قدور یک معلم آلمانی / سوریه ای است که در آلمان به تدریس اسلام در مدرسه مشغول است. او که متولد آلمان است، شبانه روزی برای رشد اسلام در آلمان دوندگی میکند. لمیا قدور مهمان هر روزه رسانه های مهم آلمان است. او در کتابش نوشته است مینا احدی و آیان هیرسی علی چون با خانواده های خود مشکل دارند اسلام را بد معرفی میکنند و من پاسخم به او این بود که خمینی عموی من نبود. ۳۰ سپتامبر سخنرانی در شهر لایپزیک

دستهای روحانی خونین است، اجازه ندارید با او دست دوستی بدهید. سخنرانی مینا احدی و کاظم موسوی در لایپزیک در اعتراض به دعوت از روحانی توسط دولت آلمان سخنرانی در بوخوم و استقبال مردم مارکس و مینی ژوپ

دوویچه وله انگلیسی و مصاحبه ای که در رسانه های بین المللی و از جمله رادیو کانادا بازپخش شد.

اسلام و حقوق زنان سخنرانی مینا احدی در کنگره سکولار / دمکراتها در هامبورگ

مصاحبه مفصل با تلویزیون اس و آر

تلویزیون اس و آر برنامه ای دارد که به تفصیل در مورد زندگی و فعالیت‌های چهره های مهم در آلمان با آنها گفتگو میکند. در این برنامه هنرپیشه ها سیاستمداران معروف و گوینده های تلویزیون آلمان و .. از نزدیک و خصوصی حرف میزنند. نوامبر مینا احدی مهمان این برنامه مهم بود که ۴۰۰ هزار نفر همان روز شنونده این برنامه بودند.

سخنرانی در شهر هاله آلمان نقد جنبش اسلامی

سخنرانی در فستیوال فیلم برلین فستیوال فیلم های سانسور شده زنان در برلین فیلم هایی را به نمایش گذاشت که در کشور تولید کننده

فیلم امکان نمایش نداشت. این فیلم ها در مورد زنان بود. ازدواج اجباری و یا ازدواج کودکان، قتل ناموسی و فرهنگ زن ستیز اسلامی موضوع این فستیوال بود. مینا احدی به همراه فاطمه صبری در پانلی بودند که در مورد موقعیت زنان در ایران و افغانستان حرف زدند.

تقریباً هر هفته دوشنبه ها در رادیو

همراه با آقای علیرضا میبیدی در مورد فعالیت های خودم و یا اوضاع ایران و یا خاورمیانه مصاحبه میکنم. با تشکر فراوان از همکاران رادیو همسفر و آقای میبیدی .

با تشکر ویژه از نازنین برومند و فعالین نهاد اکس مسلم در آلمان .

۲۷ دسامبر ۲۰۱۶

بازنشستگان فولاد در مقابل مجلس اسلامی تجمع کردند

بیش از ۸۰۰ نفر از بازنشستگان صنعت فولاد امروز ۷ دیماه در یک اقدام سراسری از شهرهای مختلف کشور به تهران آمده و با تجمع در مقابل مجلس اسلامی خواهان رسیدگی به وضعیت بازنشستگی دهها هزار کارگر بازنشسته صنعت فولاد شدند. بازنشستگان فولاد که از جمله از شهرهای کرمان، اصفهان، مشهد، مبارکه، زیرآب، طبس، سمنان، شاهرود، سنگرود به تهران آمده اند اعلام کرده اند که تا حصول نتیجه به تجمع اعتراضی خود در تهران ادامه میدهند.

تجمع کنندگان خواستار لغو خودگردانی صندوق فولاد، انتقال به صندوق بازنشستگی کشوری، مکلف شدن دولت به اجرای تعهدات و پرداخت مطالبات بازنشستگان، پرداخت به موقع حقوق و هزینه های درمانی بازنشسته فولاد شدند. بازنشستگان فولاد همچنین به تصویب بند ۹ بودجه سال ۹۱ که به موجب آن صندوق بازنشستگی فولاد از وزارت صنعت، معدن و تجارت جدا شده و منجر به سرگردانی بازنشستگان شده، اعتراض دارند. در تجمع همزمان معلمان بازنشسته و بازنشستگان فولاد نیز بر افزایش حقوق بالای خط فقر و درمان رایگان تاکید شد. تجمع سراسری بازنشستگان فولاد در تهران اقدامی مهم در مسیر تجمعات و اعتراضات سراسری کارگران است. در دیماه سال قبل ۸۰۰۰ نفر از بازنشستگان صنایع فولاد در نامه ای به بازرسی کار بدلیل بدتر شرایط شایع خود دست دهند.

حزب کمونیست کارگری ایران ۷ دیماه ۱۳۹۵، ۲۷ دسامبر

۲۰۱۶



کارگران در هفته ای که گذشت

از صفحه ۶

شان در زندانند و احکام سنگین زندان دارند. آنها به احکام سنگین زندان و زدن انگ امنیتی به مبارزاتشان در اعتراضند. من بهنام ابراهیم زاده فعال دفاع از حقوق کارگر، حقوق کودک و حقوق انسانها با احکام امنیتی ای چون اخلاص در نظم و امنیت ملی شش سال است در زندانم و علیرغم تمام کردن ۵ سال حکم زندان اولم، دوباره به هفت سال و ده ماه محکوم شده‌ام، با تمام قدرت از اعتراض بر حق این جوانان دفاع میکنم. من بار دیگر بر پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات کارگر، معلمان و فعالین اجتماعی تاکید میکنم. من خواستار لغو تمام احکام صادر شده با احکام امنیتی چون اخلاص در نظم و امنیت ملی هستم. من خواستار باطل شدن احکام این جوانان و رسیدگی فوری به وضعیت آنها هستم. من خواستار لغو پرونده تشکیل شده برای خودم و برای همزمان اسماعیل عبیدی، جعفر عظیم زاده، محمود بهشتی، آتنا دائمی، محمود صالحی، ابراهیم مددی، داود رضوی و همه کارگران و معلمان و مبارزین در عرصه های مختلف اجتماعی هستم.

گفتنی است که آخرین اخبار از بهنام ابراهیم زاده نگران کننده است.

شما هم خانه خاله نیامدید که از ما غذای با کیفیت می خواهید، بروید و هر غلطی که دلتان می خواهد انجام بدهید." در پی این پاسخ گستاخانه، مهدی فراخی شاندریزصدای اعتراضش را بلند میکند و نگهبانهای آن بند به نام های سعید قلی پور و داوود ترکاشوند باتوم به دست به سمت این زندانیان سیاسی حمله ور میشوند تا آنها را ضرب و شتم کنند، که با مقاومت آنان روبرو میشوند. در پی این درگیری، غذا مجدداً به آشپزخانه عودت داده شده و مردانی رییس زندان پیمانکار غذای زندان را به دفترش احضار میکند تا موضوع نداشتن کیفیت غذای زندان را بررسی نماید. اکنون خطر انتقال مهدی فراخی شاندریز و بهنام ابراهیم زاده به انفرادی وجود دارد.

این اخبار را باید وسیعاً رسانه ای کرد و به هر شکل که میتوانیم از بهنام ابراهیم زاده و فراهی شاندریز و زندانیان سیاسی حمایت کنیم. این اتفاقات تائیدی دیگر بر پیشبرد قرتمند کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات، لغو احکام امنیتی صادر شده برای فعالین کارگری، معلمان و فعالین اجتماعی و آزادی فوری تمامی زندانیان سیاسی و اعتراض علیه وضع زندانها و کل دستگاه جنایت و سرکوب قضایی حکومت اسلامی است.

برابری میزند. مضحك و خنده دار است. اما اگر کمی دقیق تر به این بیانیه نگاه کنید، متوجه میشوید که تمام این ادعاها در چهارچوب قوانین اسلام و قانون اساسی حکومت اسلامی بیان شده است که خود خط بطلانی بر تمام ادعاهای پوچ این بیانیه و تدوین کنندگان آن میکشد. اسلام یعنی "گوسفند" بودن مردم در جامعه. اسلام یعنی اینکه مردم فاقد هر گونه حق و حقوقی هستند. در اسلام، انسانها "گوسفندانی" هستند که چوپانی، "پیامبری"، برای "هدایت" آنها ظهور کرده اند. صحبت از حقوق شهروندی در چهارچوب اسلام و حکومت اسلامی، مانند صحبت از "فاشیسم آزادیخواه" و "فاشیسم برابری طلب" است. تماماً پوچ و عوامفریبی اسلامی است!

ادامه دارد ...

"حقوق شهروندی" روحانی، بیانیه "حقوق بشر" ...

از صفحه ۳

است. ما حکومت اسلامی را میشناسیم. زندانها و شکنجه گاه هایش را دیده ایم. کشتارها و زندانهایش را دیده ایم. راستش وقاحت این جریانات بی حد و حصر است. ببینید بینهایت در ریاضی پدیده متعینی نیست. مشخص نشده است. نمیشود. اما این جریانات اسلامی به بی نهایت وقاحت تعریف و معنای مشخصی بخشیده اند. اینکه حکومت اسلامی از حق حیات، حق زندگی، آزادی، عدالت و حقوق شهروندی صحبت میکنند، نهایت تعیین یافته بیشرمی و وقاحت است. مردم به این اراجیف پوچ وقعی نخواهند گذاشت! من تردیدی ندارم.

ببینید سازماندهندگان جوخه های مرگ، طرفداران دو آتشه امام جنایتکاران دم از آزادی و عدالت و

بود و در گورهای دسته جمعی به خاک نسپرده بود. اگر فقر و فلاکت و بی حقوقی و استثمار عنان گسیخته را در این جامعه ندیده بودیم، باید میگفتیم که شاید مانند شصت میلیون سال قبل سنگ آسمانی ای به زمین اصابت کرده است، هیچ موجود زنده ای روی سطح زمین باقی نمانده است و هرگونه سابقه ذهنی ای از کتب تاریخ حذف شده است، و در آن صورت شاید حکومت اسلامی میتوانست چنین ادعای مضحکی را مطرح کند. عجیب است بی حقوق کننده ترین رژیم های معاصر اکنون ادعای "حقوق شهروندی" را میکنند. اما اینطور نیست. سنگ آسمانی ای اخیراً به زمین اصابت نکرده است. تاریخ و سابقه ذهنی ما هم پاک نشده

کارگران پلی اکریل اصفهان پس از چندین بار تجمع، در خیابان های اصفهان راهپیمایی کردند

کارگران قند یاسوج هشت روز است در اعتصاب به سر میبرند

کارگران آلومینیوم المهدی هرمزگان دست به تجمع زدند

کارگران بازنشسته نیشکر هفته دومین تجمع خود را برگزار کردند

کارکنان شرکت گروه ملی فولاد تجمع کردند

کارگران به کارخانه شد و کارگران دست به تجمع زدند.

تجمع کارگران بازنشسته نیشکر هفت تپه در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات بازنشستگی آنها است. ۲۰۰ نفر از کارگران نیشکر هفت تپه که از اسفند ۹۴ تاکنون بازنشسته شده اند مطالبات بازنشستگی آنها پرداخت نشده است.

اینها گوشه ای از اعتصابات و تجمعات اعتراضی کارگران است که هر روزه در سراسر کشور جریان دارد. هرکدام از این اعتراضات میتواند با حضور خانواده های کارگری، تحصن در مراکز شهرها و جلب حمایت مردم، به اعتراضات قدرتمندی تبدیل شود. کارگران در هزاران مرکز کارگری با مشکلات مشابهی دست و پنجه نرم میکنند.

تحصن کارگران و خانواده های آنها در مراکز شهرها میتواند به کانونی برای اعتراضات متحد کارگران مراکز مختلف و کارگران و جوانان بیکار تبدیل شود.

حزب کمونیست کارگری ایران
۹ دیماه ۱۳۹۵، ۲۹ دسامبر
۲۰۱۶

کارگران پلی اکریل شش ماه دستمزدهشان توسط کارفرما بالا کشیده شده است. به امام جمعه مراجعه کردند و سپس فرماندار به میان آنها آمد و حرفهای تکراری زد و کارگران دست به راهپیمایی در خیابان های اصفهان زدند تا توجه مردم را به اعتراض بحق خود جلب کنند.

مدیریت کارگران گروه ملی صنعتی پس از سه بار تجمع کارگران، پرداخت طلب هایشان را به افزایش تولید مشروط کرده است. یعنی هم طلب کارگران را بالا کشیده اند و هم از آنها میخواهند کار بیشتری بکنند. طبق گزارشات مقامات در گروه ملی فولاد اختلاس کرده اند و حاضر به پرداخت طلب کارگران نیستند.

کارگران قند یاسوج دستمزد مهر، آبان و آذر امسال و مزایای مزدی سالهای ۹۳ و ۹۴ را طلب دارند و در اعتراض به این وضعیت ۸ روز است دست به اعتصاب زده اند.

کارگران المهدی هرمزگان چند سال است مبارزات سرسختانه ای را علیه اخراج ادامه میدهند. روز ۸ دیماه کارفرما مانع ورود ۲۳۰ نفر از

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود